

شناخت‌نامهٔ مازندران
دیوان شاعران مازندران / ۲۱

منتخب دیوان ادیب طاهری

دکتر زین‌الدین درگاهی
مهناز (سحر) اسه‌غیلی

نشر رسانش، ۱۳۹۵

سرشناسه	: درگاهی، زین‌العابدین، ۱۳۳۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: منتخب دیوان ادیب طاهری/زین‌العابدین درگاهی، مهناز اسماعیلی.
مشخصات نشر	: تهران: نشر رسانش نوین، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۴۴ ص.
فروست	: شناختنامه مازندران. دیوان شاعران مازندران؛ ۱.
شابک	: 978-600-7792-91-9
وضعیت فهرست نویسی	: فیها
موضوع	: طاهری، سیداسماعیل، ۱۳۷۳ - ۱۳۳۰.
موضوع	: شعر فارسی-- قرن ۱۴
موضوع	: Persian poetry -- 20th century
شماره افزایی	: اسماعیلی، مهناز، ۱۳۵۷ -
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۵ ی۸۴ / PIRVV۷۴۸
رده بندی دهکده	: ۸۵۱/۶۲
شماره کتابشناختی	: ۴۳۶۴۱۱۹



تهران. خیابان کریم‌خان زند. ابتدای میرزای شیرازی. شمال. ۸. طبقه ۲. واحد ۹.
تلفن: ۰۹۱۲ ۱۳۰ ۹۱۳۱ - ۸۸۹۲۳۶۵۵ email: rasaneshnovin@gmail.com

منتخب دیوان ادیب طاهری

دکتر زین‌العابدین درگاهی
مهناز (سحر) اسماعیلی

سرپرست مجموعه: دکتر زین‌العابدین درگاهی

ویرایش و صفحه‌آرایی: دبیرخانه شناخت‌نامه مازندران

طرح جلد: علیرضا علی‌نژاد

لیتوگرافی: فیلم گرافیک

چاپخانه: متین

صحافی: ولیعصر

چاپ اول، تهران، ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹ - ۹۱ - ۷۷۹۲ - ۶۰۰ - ۹۷۸

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

فهرست

۴۱.....	خون خلق.....	۷.....	دربارهٔ ادیب طاهری.....
۴۲.....	گل مقصود.....	۷.....	ادیب طاهری.....
۴۳.....	تخم نیکویی.....	۷.....	تحصیلات.....
۴۴.....	خدمت خلق.....	۷.....	مشروطه خواهی.....
۴۴.....	سرو چمن.....	۸.....	مهاجرت به مازندران.....
۴۵.....	شرار عشق.....	۸.....	حضور در دستگاه حکومت.....
۴۶.....	دیرپیوند.....	۹.....	بازماندگان.....
۴۶.....	غزل.....	۹.....	هنرها و مهارت‌ها.....
۴۷.....	طرحه طرار.....	۹.....	ویژگی‌های سخنوری.....
۴۷.....	بذر محبت.....	۱۱.....	قالله‌ی شری.....
۴۸.....	حجاب شرم.....	۱۲.....	ارتباط با بیان معاصر.....
۴۹.....	صبح عمل.....	۱۲.....	افتخای شاعران.....
۵۰.....	بزم عشق.....	۱۵.....	نگاهی به شعر ادیب.....
۵۱.....	گنج قناعت.....	۱۶.....	۱- محتوای سرودها.....
۵۱.....	مرغ دل.....	۱۹.....	۲- هنرورزی‌ها.....
۵۲.....	گوهر جان.....	۲۰.....	۳- عیوب فصاحت.....
۵۲.....	بهار جوانی.....	۲۱.....	۴- دربارهٔ دیوان.....
۵۳.....	بدیع شمالی.....		
۵۴.....	غزل.....		منتخب دیوان ادیب طاهری
۵۵.....	دانش گل.....		غزلیات
۵۵.....	غزل.....		کوه و کاه.....
۵۶.....	صراط آفتاب.....	۲۶.....	طریق دلبری.....
۵۷.....	آرزوی دل.....	۲۷.....	غزل.....
۵۸.....	شبانۀ دل.....	۲۷.....	کاروان علم.....
۵۹.....	سفر کنم.....	۲۸.....	قمر در عقرب.....
۵۹.....	بادۀ عشق.....	۲۹.....	نگار من.....
۶۰.....	ره مقصود.....	۲۹.....	اسیر زلف.....
۶۱.....	وادی ایمن.....	۳۰.....	مردم دریایی.....
۶۲.....	دفتر حسن.....	۳۱.....	مرغان چمن.....
۶۳.....	پربش زلف تو.....	۳۲.....	شب مهتاب.....
۶۳.....	آینهٔ چشم.....	۳۲.....	گل زیبا.....
۶۴.....	ظایر قدس.....	۳۳.....	بادیهٔ عشق.....
۶۵.....	بحث عشق.....	۳۴.....	حسن حال.....
۶۶.....	کوتاه‌دستی.....	۳۴.....	هوس وصل.....
۶۷.....	خاکستر من.....	۳۵.....	دور شباب.....
۶۷.....	غزل.....	۳۶.....	آتش موسی.....
۶۸.....	فکر منور من.....	۳۷.....	سنبیل زلف.....
۶۹.....	مردم دانا.....	۳۷.....	خانهٔ دل.....
۷۰.....	غزل.....	۳۸.....	کلبهٔ شاعر.....
۷۱.....	طوطی طبع.....	۳۹.....	آشیان جان.....
۷۲.....	طالع خجسته.....	۴۰.....	نامه‌یار.....
۷۳.....	امیدبازی.....	۴۰.....	غزل.....
۷۴.....	چشمهٔ حیات.....	۴۱.....	خاک شهیدان.....

۱۱۲	رود چون آبش نید ماهی مجوی
۱۱۲	روپاه و خروس
۱۱۳	حرم‌خانه برایش چون قفس بود
۱۱۴	فریب ظاهر
۱۱۵	روپاه و شیر
۱۱۶	خر و اشتر
۱۱۷	در توصیف ایران
۱۱۹	لوح حیرت
۱۲۰	لباس وطنی
۱۲۱	افتاده را به لطف نما یاری
۱۲۱	در مرثیت فوت برادر

دوبیتی‌ها و رباعیات

۱۲۳	[در هوا رفتن]
۱۲۳	پند سقراط
۱۲۳	نیکی و بدی
۱۲۳	چون مردی
۱۲۴	سرشت بد
۱۲۴	علو نفس
۱۲۴	وفاداری
۱۲۴	عزت نفس
۱۲۴	در مذمت تریاک
۱۲۴	شراب
۱۲۵	نمار
۱۲۵	در هنگام گشایش جشن هزاره فردوسی
۱۲۵	رباعی
۱۲۵	رباعی
۱۲۶	باج مراد

مسموع

۱۲۷	کن ز سر دور
۱۲۸	فریاد عنذلیب
۱۲۹	گردش فصل
۱۳۱	شرح حال
۱۳۳	شکوایه
۱۳۵	فهرست ابیات
۱۴۱	عکس‌ها

۷۵	آشیانه دل
۷۵	انجمن آرا
۷۶	خرمن عمر
۷۷	بی‌خبری
۷۷	صهبای حقیقت

قصاید و قطعات

۷۹	پند بایزید
۷۹	شهد دگران شرنگ در جان است
۸۰	عزم و همت
۸۱	کسب کمال
۸۲	عنایت
۸۳	ناید ستن آموختن عار
۸۴	رسمیه
۸۶	در مرظف و آثار صنع باری
۹۰	فوائد سعی و عمل
۹۱	عزت نفس
۹۲	قطعه فکاهی
۹۲	نکوهش جهان
۹۳	پند و اندرز
۹۴	[خر قوام‌الشریعه]
۹۵	قناعت
۹۶	نثار به پیش‌آهنگان ایران
۹۷	در مرثیت اهل بیت علیهم‌السلام
۹۸	چهل
۹۸	چکامه در حکمت
۱۰۲	سیه سپید نگرود به هیچ صابونی
۱۰۳	[دیدار با اعتمادی سرودی]
۱۰۴	[باسخ اعتمادی به ادیب]

مثنویات

۱۰۷	ابر و گل
۱۰۸	ساز و سبزو
۱۰۸	یار نادان توراست آفت جان
۱۰۹	[دوستی خرس]
۱۰۹	فضیلت سخنوران
۱۱۰	[در پاسخ بهمنی]
۱۱۱	درست پیمانی
۱۱۱	مظهر شجاعت

دربارهٔ ادیب طاهری

ادیب طاهری

سید اسماعیل طاهری متخلص به ادیب از سخنوران سدهٔ اخیر ساری است. پدرش حاجی آقای قاهان می‌تهد، جدش میر محمدحسین (متخلص به کاشف، از رجال علم و ادب قاهان) بو سید اسماعیل ۱۲۷۳ شمسی در روستای قاهان قم به دنیا آمد. مادر وی، نوهٔ دختری حاج سید محمدباقر از علمای عصر ناصری و جدّهٔ مادری‌اش حمیده قاهانی، شاعر صاحب دیوان بود. نویسندهٔ کتاب «زنان سخنور» حمیده قاهانی را به اختصار معرفی کرده است. ادیب طاهری ۱۸ دی ۱۳۲۰ در ساری از دنیا رفت. پیکر او را در آرامگاه امامزاده عباس ساری، قسمت شمالی مسجد قدیمی، مجاور امامزاده به خاک سپردند.

تحصیلات

ادیب طاهری مطابق سنت آموزشی گذشتگان، مقدمات علم عربی و ادبی را در قاهان نزد پدرش و مدتی نزد میرزا اسماعیل ادیب شعاعی تراگمت پس از آن در قم و تهران در محضر بزرگان به فراگیری علوم و فنون پرداخت. پیش از آمدن به تهران فنون دیگری هم‌چون خط و موسیقی را فراگرفت. آمدن او به تهران مقارن دورهٔ مشروطه بود.

مشروطه‌خواهی

مقارن انقلاب مشروطه، در تهران به مشروطه‌خواهان پیوست. هنگامی که محمودولی‌خان سپهسالار تنکابنی از سران مشروطه‌طلب، در اوج انقلاب از تهران

به رشت رفته بود، اسماعیل طاهری در سپاه او حضور داشت. علاوه بر این براساس شنیده‌ها وی مدتی در سپاه میرزا کوچک خان جنگلی نیز بود. آشفته‌گی و هرج و مرج با طبع وی سازگار نشد و نتوانست همراه مشروطه‌خواهان بماند.

مهاجرت به مازندران

سید اسماعیل همراه مشروطه‌خواهان در فراز و فرود انقلاب مشروطه حضور پیدا کرده بود، مدتی فعالیت داشت، اما این فعالیت‌ها با طبعش چندان سازگار نیامد. مبارزه را رها کرد و به راهی دیگر قدم گذاشت. پس از چندی به صورت شناختن با تعزیه‌خوانانی به مازندران آمد و در ساری اقامت گزید و ماندگار شد.

حضور در دستگاه حکومت

ادیب طاهری به تدریج به استعداد و توانمندی‌هایش توانست در دستگاه حکومت مازندران جاگاهی به دست آورد. چگونگی ورود او به دستگاه حکومت معلوم نیست، اما با توجه به حسن خطی خوش، آشنایی با فنون منشی‌گری، نیز توانایی در موسیقی، به‌ویژه صدای آوای دل‌انگیزی که داشت، توجه لطف‌علی‌خان کلبادی معروف به سردار جلیل را به خود جلب کرد و از مقربان دستگاه حکومتی وی شد. این سمت تا ۱۳۰۶ شمسی (وفات سردار جلیل) ادامه داشت. پس از آن مدتی در دوره حکومت رضاشاه در اداره دارایی مازندران به سمت «ممیز خالصه‌جات»، سپس در اداره ثبت اسناد به کار نمایندگی محتر رسمی اشتغال داشت. سال ۱۳۱۴ از کار اداری کناره‌گیری کرد و در املاک منصوب شده در «گیل‌چالسر» تا پایان عمر روزگار گذراند. رضاشاه بر بسیاری از املاک زمین‌داران در مناطق خوب و حاصل‌خیز چشم طمع داشت و به بهای اندک، این زمین‌ها را از صاحبانش می‌خرید. اداره املاک مأموریت این کار را برعهده داشت. به هنگام گرفتن زمین از ادیب طاهری به بهای بسیار اندک، وی شکوائیه‌ای را با مطلع زیر سرود:

دوش در دریای حیرت بود فکرم غوطه‌ور

خواب چون طالع‌گریزان بود از من تا سحر

به گفته بازماندگان وی به خاطر اختلاف با مأموران دولتی بر سر زمین‌ها مدتی در زندان به سر برد.

بازماندگان

ادیب طاهری وقتی در مازندران ماندگار شد با خانم ربابه کلبادی ازدواج کرد. ثمرهٔ ازدواج آنان شش فرزند بود که پژوهشگر و شاعر نامور سید محمد طاهری شهاب بزرگترین آن‌ها است. دیگر فرزندان اشرف‌السادات، سیده معصومه، سیده طاهره، سید حبیب‌الله و فخرالسادات بودند. ادیب طاهری از همسر دوم سه فرزند داشت: سیده نیره، سیده نورجهان و سید محمود.

سید محمد طاهری شهاب به دلیل ذوق و علاقهٔ وافری که به فرهنگ و ادب داشت، امر خود را در این راه گذاشت و یکی از ثمره‌های کار او گردآوردن منتخب دیوان پدر است که تقدیم علاقه‌مندان می‌شود.

هنرها و مهارت‌ها

ادیب طاهری به چند هنر و صوف بود و در شرح حال و آثار ایشان آشکار است:

- شاعری: طبع همه‌جانبهٔ طاهری در سروده‌ها تجلی یافته است. در زمان حیاتش در بسیاری از مجلات مانند آردنان، کانون شعرا، یغما و... سروده‌هایی از او منتشر شد. منتخب دیوان ادیب طاهری گاه به گاه در طبع اوست.
- منشی‌گری: در گذشته در دستگاه‌های حکومتی و حکومت‌های منطقه‌ای و محلی، گروهی به عنوان منشی، صاحب رائل، صاحب دیوان، دبیر و... خدمت می‌کردند. ادیب طاهری وقتی به مازندران آمد و امامت گزید، در دربار حاکم محلی مازندران، سردار جلیل به عنوان منشی به خدمت مینوشت.
- موسیقی: ادیب طاهری علاوه بر صدای خوش و آوای دل‌آشوب و موسیقی آشنا بود و در نواختن تار مهارت داشت. در محافل دوستانه فضای محفل، با صدای خوش او همراه با صدای تار معطر می‌کرد.
- خوش‌نویسی: چنان‌که لازمهٔ کار منشی، خط خوش است، ادیب هم از این هنر بهره‌مند بود. متأسفانه از آثار خوش‌نویسی او اثری در دست نیست.

ویژگی‌های سخنوری

مکتب ادبی بازگشت سالیانی چند بر ادبیات فارسی سیطره داشت. شاعران و سخنوران که از پیچیدگی‌ها و مضمون‌پردازی‌های سبک هندی به ستوه آمده بودند، گردهم آمدند و با تشکیل انجمن‌های ادبی، به نقد این سبک ادبی

پرداختند و تلاش کردند از این پیچیدگی‌ها خلاصی یابند، اما به جای آن که شیوه‌ای نو و بدیع خلق کنند، آسان‌ترین و نامطلوب‌ترین شیوه را برگزیدند: پیروی از گذشتگان که به مکتب بازگشت شهرت یافت.

اسلوب ادبی شاخص در مکتب بازگشت بدین گونه است: تواناترین شاعر آن کسی است که بیشتر و بهتر به روش و سبک شاعران گذشته سخن بگوید و شکوه و طنطنه کلام بزرگانی چون فردوسی، سنایی، خاقانی، سعدی، حافظ و... را در آثار خود تقلید کند. این روش از دوره زندیه تا روزگار ما کم و بیش جاری و جاری ست. در این فضای ادبی سرآمدان و شاعران به نام هم‌چون هاتف، سروش، قزلباش و... تا شاعران گمنام در گوشه و کنار پهنه ادب فارسی ایران در آثار خود از عرضه و آوردن نوین ناتوان ماندند؛ چرا که بازگشت، درون‌مایه‌ای جز تکرار و تقلید ندارد و اندک نوآوری‌ها نیز در همان دایره تقلید صورت می‌پذیرد. پس از عصر مشروطه و شایط سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به وجود آمده، نیما و پیروانش تلاش کردند تا با نوآوری‌های درون‌مایه، قالب و وزن، طرح تازه‌ای بیندازند که مورد استقبال عمومی قرار گیرد.

سروده‌های ادیب طاهری نیز با توجه به سیطره بی‌چون و چرای مکتب بازگشت در دوره قاجار، نگرسته و ررسه شود. نباید انتظار داشته باشیم که با سخنوری طراز اول و بدعت‌گذار روبه‌رو باشیم. از سوی دیگر در تلاطم اندیشه‌های عصر بازگشت ادبی، شاعر سخن طراز اول در مازندران نمی‌یابیم که نام و نشانی ویژه از خود به یادگار گذاشته باشد. سخنوران مازندرانی عصر قاجار و پس از آن هرچند در تذکرها که شاعران نیستند، اما تا پیش از ظهور نیما یوشیج، ظهور و بروز قابل توجهی در عرصه شعر فارسی نداشتند. با توجه به مواردی که به اجمال اشاره شد، به نکاتی از سروده‌های ادیب طاهری خواهیم پرداخت.

ادیب و شاعر مازندرانی، سید محمد طاهری شهاب در توصیف سروده‌های پدرش چنین نوشته است: «فخامت الفاظ، استحکام جملات، اعتلای خیال، اقتدار و ابتکار مضامین به منتهای جلال و جمال در کلام او دیده می‌شود. تنوع حدت استعاره‌های گوناگون مزیت خاصی به گفتار او بخشیده و لطف مطلوبی به آثارش داده است». وی در بخش دیگری از گفتار خود درباره تنوع مضامین نو و ابتکاری

آثار ادیب طاهری چنین می‌نویسد: «در قسمت نظم نظمت و ابتکار مضامین بکر و گنجاندن مطالب متنوع، صاحب قدرت و انسجام کامل بوده». آن‌گاه سه قطعه کامل از سروده‌های وی را در کتاب ارزشمند تاریخ ادبیات مازندران نقل می‌کند که مطلع آن چنین است:

- ز باران‌های فصل نوبهاری که سازد بحر و بر را آبیاری
- آن شنیدم یک شبی ساز و سبو گشته در خلوت مقامی روبه‌رو
- ز بایزید مریدی شد این مثل جویا که در زمانه چه نکوتر است مردم را

تألیفات ادیب طاهری

شاعران دوره بازگشت در سرودن برای خود محدودیتی در قالب قائل نبودند و به شیوه‌های نوآنگاز طبع آزمایی می‌کردند. به بیان طاهری شهاب ادیب طاهری نیز «در سرودن همهٔ صرف شعرید طولایی داشته و این سخن از دیوان اشعار او ظاهر است». ادیب طاهری در تألیفات مختلف سروده است:

غزل: یکی از قله‌های زیبا را در انگیز شعر فارسی، غزل است. غزل تبلور لحظه‌های ناب و خالصانه‌ترین احساسات شاعران عاشق و عاشقان عارف است، شکوهی ویژه دارد. از گذشته‌های دور تا روزگار ما رقیق‌ترین احساس عاشقانه و عارفانه در غزل درخشیده است. گرچه روزگارانه دره مایه‌های اجتماعی، سیاسی و... در غزل وارد شد، اما همچنان سرشت غزل با لطافت آمیخته است. چنان که اشاره کرده‌ایم، غزل‌های دوره بازگشت رنگ و بوی غزل‌های یک عراقی را دارد. شاعران دوره بازگشت به‌ویژه پس از مشروطه درون‌مایه‌های اجتماعی و سیاسی را در شعر به‌ویژه غزل گنجانده‌اند. غزل‌های ادیب طاهری با وجود تک‌بودن، مضامین متنوعی دارد؛ طاهری شهاب بر آن است که «اصل کمال و حریره خاص طاهری را در غزل می‌توان یافت. غزلیات او هریک دارای لطف خاص و نمونه تخیل و مضمون‌آفرینی او در فنون معاشقه و فلسفه و عرفان می‌باشد». حدود هفتاد غزل ادیب طاهری شامل مضامین عاشقانه، عارفانه، اخلاقی و اجتماعی است.

مطلع چند غزل:

- تو چنان نموده تکمیل طریق دلبری را

که به یک نظاره از کف ببری دل‌پری را

- نگار من ز که آموخت بی‌وفایی را
 که پرسشی نکند حال بینوایی را
 - خوش است دیدن روی تو در شب مهتاب
 نمای ترک جفاپیشگی و روی متاب
 - سرو در بی‌ثمری گر به چمن مشتهر است
 قدر زیبای تو را آتش موسی ثمر است

ف. بده: یکی از قالب‌های مورد توجه شاعران به‌ویژه مدیحه‌سرایان است. یکی از مضامین پرتکرار در این قالب علاوه بر مدح، توصیف به‌ویژه توصیف طبیعت است. شاعران سروده‌های گشت نیز به سبک قصیده‌های منوچهری، انوری، خاقانی، سعدی، جمال‌الدین اصفهانی و... سروده‌های زیبایی را به یادگار گذاشته‌اند. ادیب طاهری نیز قصیده‌ها را در طرز پیشینیان می‌سرود؛ با این تفاوت که مضامین قصیده‌های طاهری مدح‌نا است. به عبارت دیگر، او شاعر مدیحه‌سرا نبود، قصیده‌های او تعلیمی است و اغلب به پند، اندرز و حکمت پرداخته است. مطلع چند قصیده چنین است:

- آن قادری که خلقت لیل و نهار کرد
 بی‌تکی گدا، خون و مکان پایدار کرد
 - چند اندر بحر وهم و جهل باشی غوطه‌ور
 تا به کی از مقصد نبوی و خلقت بی‌خبر

قطعه: قالب قطعه برای مضامین پند و اندرز و بیان تجربه‌های اخلاقی معمول است. شاعرانی مانند انوری و سعدی در گذشته، پروین اعتصامی در دوره معاصر قطعه‌های خواندنی و ماندگاری سروده‌اند. قطعه‌های ادیب طاهری بیشتر با مضامین اجتماعی و اخلاقی و توجه به مسائل روز و ایران باستان است؛ وی در قطعه‌ای با عنوان «شهد دگران شرنگ در جان است» (دیوان)، به عزت نفس و قناعت توصیه می‌کند:

قامت منما ز بار منبت خم	تا آن که تو را به کالبد جان است
آن کس که به عزم متکی گردد	مانده سرو در گلستان است
و آن کس که به دیگران کند تکیه	لبلاصفت ضعیف و بی‌جان است...

مثنوی: بخشی از سروده‌های ادیب طاهری در قالب مثنوی است. بیشترین مضامین مثنوی‌های ادیب، پند و حکمت و اخلاق است. هم‌چنین به مسائل اجتماعی و فرهنگی توجه داشت. تعدادی از آن‌ها به اقتضای مثنوی‌های شاعران بزرگ است، مانند دوستی خرس، یار نادان تورا است آفت جان، روباه و خروس، روباه و شیر، خر و اشتر، و... مضامین تعدادی از مثنوی‌ها مسائل اجتماعی است، مانند توصیف ایران، لباس وطنی. ادیب طاهری شاید در محتوای مثنوی توجهی بیش از ظاهر آن دارد؛ چرا که برخی از مثنوی را بسیار ساده و عامیانه سروده است و نمی‌توان شاعرانگی خاصی را در ابیات آن جست. هم‌چنین چند مثنوی همانند اخلاقیات است، از آن جمله در پاسخ بهمنی.

ارتباط با ادیبان معاصر

چنان‌که پیش‌تر گفتیم، ادیب طاهری با شاعرانی چند از هم‌روزگارش پیوند دوستی داشت که ردی از آن روانه در جای‌جای دیوان او دیده می‌شود. اخوانیات نامه‌های دوستانه‌ای است که نظامی با نثر بین دو شاعر رد و بدل می‌شود. اخوانیه بیش‌تر بین شاعران سبک کهر رواج داشت. ادیب طاهری سال ۱۳۱۶ دیداری با شاعری به نام ناصر اعتمادی سرودی داشت. ظاهراً این دیدار با درایت مطیعی (شاعر و دبیر نشریهٔ کانون شعرا) اتفاق افتاد. ادیب طاهری در قصیده‌ای گفت:

مطیعی مرا داد نیکو درودی که ز ما مازندران شد سرودی
اعتمادی در پاسخ، قصیده‌ای در مدح و ثنای ادیب طاهری سرود که در این قصیده از فضایل نیکوی وی سخن گفت. بیت‌هایی از آن چنین است:

به مازندران دل غمی بود و مضطر اگر طاهری اندر آن مینمودی

ادیب طاهری هم‌چنین در وصف مطیعی می‌گوید:

طاهری شکر «مطیعی» کن و «کانون»ش را

کس چو او ناشر افکار نگردد هرگز

اقتضای شاعران

یکی از سنت‌های ادبی، به اقتضا سرودن است. شاعر مصرع یا بیتی از شاعری دیگر را به عنوان سرمشق قرار می‌دهد، به همان وزن و قافیه و ردیف سروده‌ای را ارائه می‌دهد. گاه این اقتفا به شکل تضمین است، مصرع یا بیتی از شاعر را در

سروده درج می‌کند؛ یا این که مضمونی را از شاعر دیگر وام می‌گیرد. این سنت در میان شاعران نام‌آور هم دیده می‌شود. در دوره بازگشت این شیوه به اوج خود رسید و از حد معمول فراتر گام نهاد. بدین‌روی انبوهی از دیوان‌های شاعران به پیروی و تقلید از گذشتگان است. در این دوره مثنوی‌های بلند حماسی، عرفانی، اخلاقی به سیاق شاهنامه فردوسی، مثنوی مولوی، خمسه نظامی، بوستان سعدی و... پدید آمد. در قالب‌های دیگر مانند قصیده، غزل، رباعی و... نیز هزاران هزار بیت سروده شد. در انبوهی از دیوان‌های چاپ‌شده و چاپ‌نشده، جنگ‌ها و تذکرها می‌توان این تقلید آشکار را مشاهده کرد. دور از انصاف است که چشم بر همه این سروده‌ها بیندیم و کیفیت و غنای برخی از آنان را نادیده بگیریم. در این میان سروده‌های بدبسته و ناب هم کم نیست و شاعران توانمندی در این دوره به چشم می‌خورند. به هر روی با نگاهی به منتخب دیوان ادیب طاهری به آسانی می‌توان دریافت که وی به پیروی از شاعرانی چند، سروده‌هایش را ارائه کرده است. سایه سعدی، حافظ و برخی از نخستین پیشگامان عصر بازگشت چون هائف و... در دیوان وی آشکار است. در این‌جا به چند نمونه از سروده‌های ادیب طاهری که به اقتفای دیگران سروده، اشاره می‌کنیم.

- سعدی: ادیب طاهری به سعدی ارادت بسیار داشت و سروده‌های فراوانی به استقبال وی سرود یا از سروده‌هایش تسمیه کرد. در این‌جا به چند مورد اشاره می‌کنیم:

سعدی: فضل خدای را که تواند پندار کرد

یا کیست آن که شکر یکی از هزار کرد

ادیب طاهری: آن قادری که خلقت لیل و نهار کرد

بی‌تکیه‌گاه کون و مکان پایدار کرد

سعدی: نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود

مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد

ادیب طاهری: نیکو نصیحتی است که سعدی نموده است

مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد

سعدی: مشنو ای دوست که غیر از تو مرا یاری هست
یا شب و روز به غیر از تو مرا کاری هست
ادیب طاهری: غیر یاد تو شب و روز مرا کاری نیست
در سرم جز هوس وصل تو افکاری نیست

همچنین ادیب سروده‌هایی به اقتضای هاتف اصفهانی، خاقانی و ادیب پیشاوری، نظامی، بیدل دهلوی و... سرود.

به افتخار شعر معروف مولانا «ما همه شیرین شیران علم» چنین گفته:
ادیب طاهری: شیرین تو ولی باشی چون شیر تن پرده
ز یاد بود جسمت سر تا به قدم جنبان

جشن هزارهٔ فردوسی سال ۱۳۱۳ با حضور پژوهشگران داخلی و خارجی برگزار شد. ادیب به مناسبت این جشن در برابر فردوسی، خالق یکی از بزرگ‌ترین حماسه‌های جهان سر تعظیم فرود آورد و سروده‌هایی را به وی تقدیم کرد.

نگاهی به شعر ادیب

ادیب طاهری در روزگاری می‌زیست که چند رویداد مهم، حیات اجتماعی-سیاسی ایران رخ داده بود: افول قدرت و حکومت قاجار، مشروطه‌خواهی و برقراری حکومت مشروطه، برآمدن خاندان پهلوی، تحولات پرشتاب فرهنگی، اجتماعی دورهٔ پهلوی اول و... هیچ فرهیخته‌ای از ساحل امواج پرتلاطمی که وجود آمده بود، به آسانی نمی‌توانست بگذرد، در مقام مخالفت و مقابله یا در راه تأیید و تلاش برای تحقق آن. ادیب طاهری در آغاز مشروطه گام‌هایی چند در حمایت از مشروطه‌خواهان برداشت، ولی به دلایلی آن را رها کرد و در مسیر دیگری گام نهاد. در دستگاه حکومتی مازندران به عنوان منشی مشغول به کار شد. دورهٔ پهلوی اول نیز مدتی در ادارات دولتی کار می‌کرد. در سروده‌هایش بازتاب برخی امور فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آن زمان دیده می‌شود.

۱- محتوای سروده‌ها

الف - آموختن علوم و فنون: یکی از نکات مهمی که در دو سه سده اخیر در میان مسلمانان مورد توجه قرار گرفته، کسب علوم و فنون (به‌ویژه غربی) است. دوره مشروطه و پهلوی اول، به این نکته بسیار تأکید می‌شد. اعزام دانشجویان به خارج از کشور، تأسیس وزارت معارف، بنای مدارس جدید از جمله دارالفنون، نیز بنای مدارس در سراسر کشور و تأسیس دانشگاه تهران، از ثمرات چنین نگاهی است. ادیب طاهری مانند بسیاری دیگر در سروده‌هایش به اهمیت علم‌آموزی پرداخته است:

مانند تیغ، عمر رها شد ز شست ما
کاری در این زمانه نیامد ز دست ما
از کاروان عالم به ما مانده‌ایم ز آنک
اوهام و جهل ید به جهان پای‌بست ما
بر کرسی تمدن باغی ز تکیه زد
دائماً بماند جای برای نشست ما

تا آن‌جا که وزیر معارف پرتلاش آن روزگار، علی‌اصغر حکمت را چنین ستود:

کن جهد تا ز علم و هنر بهره‌ور شوی
از «حکمت» وزیر معارف یست ما

در قصیده‌ای درباره اهمیت دانش‌آموزی می‌گوید:

در ایام شباب و وقت تحصیل	نباید داشتن ز آموختن عار
جوانی کو ندارد بهره از علم	به بستان جهان باشد سپیدار
نهال معرفت در باغ هستی	بود بارش گهر برگ است دینار...
لب از گفتار بی‌کردار ببرند	اگر باشد روانت با خرد یار
که نیکوتر بود نزد خردمند	ز صد گفتار بی‌جان نیم‌کردار...

ب- وطن‌دوستی: یکی از شعارها و گرایش‌های دورهٔ مشروطه، توجه به وطن و وطن‌دوستی (به معنای امروزی) است. این نکته با توجه به گرایش‌های فرهنگی دورهٔ پهلوی اول به شدت ترویج و تبلیغ می‌شد. ادیب طاهری در یک مثنوی در توصیف ایران به این نکته توجه کرده است:

خوشا خاک ایران مینوسرشت فرح‌بخش جان‌ها چو باغ بهشت
ادیب طاهری به ایران می‌نازد و می‌بالد. در یک مثنوی زیبایی‌های طبیعی برخی شهرهای ایران را توصیف می‌کند و از نظر علمی و فرهنگی می‌ستاید:

بود بعب عشق شیراز او در اقلیم پیچیده آواز او
همین وصف او بر اهل راز که پرورد سعدی و حافظ به ناز
نبینی از این شهر به مثقال جز عرفان و دانش جز اهل کمال
جهان تا جهان است آباد باد همیشه پر از دانش و داد باد
مرا دل بدین مهر باش عجبین که همواره پاینده ایران زمین

ج- پیش‌آهنگی: یکی از برنامه‌های فرهنگی - آموزشی وزارت معارف دورهٔ پهلوی اول، طرح و برنامهٔ «پیش‌آهنگی» در مدارس بود. گروه‌هایی با عنوان پیش‌آهنگان در مدارس تشکیل می‌شد که در کارهای خیر و خدماتی با آموزش‌هایی که می‌دیدند، پیش‌قدم بودند. این برنامه برای کودکان و نوجوانان بود. ادیب از این برنامهٔ فرهنگی و عمومی و مؤثر در تربیت فرزندان این سرزمین، غافل نبود، در قصیده‌ای چنین گفت:

ای در چهره چو شمس تابان ای در حرکت چو پروستان
ای لعل لب تو در طراوت خون در دل خاتم بدیشان
این مادر میهن مقدس پرورده تو را ز شیرهٔ جان
بر ذمت توست فرض و واجب کز هر خطرش شوی نگهبان
ورزش بنما که تا که گردی در نیروی تن چو شیر غضبان

ادیب طاهری در این قصیده برای نونهالان و نوجوانان در علم‌آموزی و فراگیری دانش‌های جدید، دین‌مداری و حکمت‌آموزی و... توصیه می‌کند.